



به نام آن که جان را حکمت آموخت

سخن سردبیر

ایران‌شناسی تاریخی و ادبی حوزه‌ای است که گذشته ایران را نه به صورت ایستا، بلکه به عنوان فرایندی پویا و چندلایه مطالعه می‌کند. از کتیبه‌های باستانی تا دیوان شاعران بزرگ، تاریخ و ادبیات ایران درهم‌تنیده‌اند و بازخوانی آن‌ها به فهم عمیق‌تر هویت فرهنگی ایرانیان کمک می‌کند. تداوم این پژوهش‌ها نیازمند رویکردی انتقادی، میان‌رشته‌ای و مبتنی بر همکاری‌های علمی گسترده است. تنها در این صورت است که می‌توان تصویری جامع و متوازن از تاریخ و ادبیات ایران ارائه داد؛ تصویری که هم ریشه در گذشته دارد و هم با پرسش‌های زمانه معاصر گفت‌وگو می‌کند.

به بیانی دیگر، ایران‌شناسی تاریخی و ادبی شاخه‌ای بنیادین از مطالعات ایران‌شناسی است که با تمرکز بر تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نیز میراث مکتوب ایران، به بررسی فرایند شکل‌گیری و تداوم هویت ایرانی می‌پردازد. این حوزه با تکیه بر منابعی چون سنگ‌نوشته‌ها، متون تاریخی، آثار ادبی، اسناد دیوانی و نسخه‌های خطی، نه تنها گذشته ایران را بازسازی می‌کند، بلکه شیوه‌های روایت و بازنمایی آن گذشته را نیز تحلیل می‌نماید. نگاهی به سیر تطور این رشته از آغاز مطالعات خاورشناسانه تا رویکردهای میان‌رشته‌ای معاصر نشان می‌دهد که ایران‌شناسی تاریخی و ادبی در تقاطع سه حوزه اصلی قرار دارد: نخست تاریخ‌نگاری ایران، دودیدگر زبان و ادبیات فارسی و سدیدگر زبان‌های ایرانی، مطالعات فرهنگی و هویتی ایران. در این رویکرد، متون ادبی تنها به‌عنوان آثار هنری بررسی نمی‌شوند، بلکه همچون اسناد فرهنگی و گاه تاریخی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. برای نمونه، حماسه، تاریخ‌نامه، سفرنامه و حتی متون عرفانی می‌توانند حامل داده‌های ارزشمند درباره ساختار قدرت، مناسبات اجتماعی، نظام ارزشی و تخیل جمعی باشند.

در دهه‌های اخیر، نظریه‌های جدیدی چون تاریخ فرهنگی، روایت‌شناسی تاریخی و نقد گفتمان، ابزارهای تحلیلی تازه‌ای در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند و باعث شده‌اند که ایران‌شناسی از قالب صرفاً توصیفی خارج شود و به سمت تحلیل‌های تفسیری و انتقادی حرکت کند.

اما ایران‌شناسی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی مدرن، از قرن نوزدهم میلادی در اروپا شکل گرفت. مطالعات زبان‌شناختی درباره خانواده زبان‌های هندواروپایی نقش مهمی در جلب توجه پژوهشگران به زبان‌های ایرانی باستان داشت.

چهره‌هایی چون آرتور کریستنسن با پژوهش‌های خود درباره دوره ساسانی، و ریچارد فرای با آثارش در زمینه تاریخ ایران پیش و پس از اسلام، سهم مهمی در تثبیت ایران‌شناسی در مجامع دانشگاهی داشتند. در همین دوران، کشف و خوانش کتیبه‌های هخامنشی و رمزگشایی خط میخی فارسی باستان، افق تازه‌ای در مطالعات تاریخی گشود. این تحولات موجب شد که ایران باستان از خلال منابع دست اول مورد مطالعه قرار گیرد، نه صرفاً از طریق روایت‌های یونانی یا عربی.

در ایران، با تأسیس نهادهای دانشگاهی در قرن چهاردهم خورشیدی، ایران‌شناسی وارد مرحله‌ای جدید شد. تأسیس دانشگاه تهران و ایجاد دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، بستری برای پژوهش‌های روشمند تاریخی و ادبی فراهم آورد.

پژوهشگران ایرانی با تصحیح متون کلاسیک، انتشار نسخه‌های خطی و نگارش تاریخ‌های جامع، سهم بسزایی در پیشبرد این حوزه داشتند. شکل‌گیری مراکز پژوهشی تخصصی، همچون بنیادهای شاهنامه‌پژوهی و مراکز نسخه‌شناسی، موجب شد که تحقیقات از سطح عمومی به سطح تخصصی ارتقا یابد.

مطالعات ایران باستان یکی از ارکان اصلی ایران‌شناسی تاریخی است. منابع این دوره شامل: کتیبه‌ها، داده‌های باستان‌شناختی، متون پهلوی و روایت‌های مورخان یونانی و رومی است. سنگ‌نوشته‌های بیستون و الواح اداری کشف‌شده در تخت جمشید اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار حکومتی هخامنشیان ارائه می‌دهند.

در عرصه ادبی، اثر سترگ شاهنامه سروده ابوالقاسم فردوسی نقطه اوج بازآفرینی تاریخ اسطوره‌ای و نیمه‌تاریخی ایران است. شاهنامه افزون بر ارزش ادبی، نقش اساسی در تثبیت زبان فارسی و حفظ حافظه تاریخی ایرانیان ایفا کرده است.

با ورود اسلام، ایران وارد مرحله‌ای تازه از تحولات فرهنگی شد. زبان فارسی دری به تدریج جایگاه خود را به‌عنوان زبان ادب و دیوان تثبیت کرد. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخ‌نگاری ادبی در این دوره، تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی است. این کتاب نمونه‌ای ممتاز از پیوند تاریخ و ادب است و نثری پخته و تحلیلی دارد. در حوزه شعر، شاعرانی چون حافظ شیرازی و جلال‌الدین محمد بلخی با آثار خود، افق‌های تازه‌ای در بیان عرفانی و انسانی گشودند. آثار آنان افزون بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی،

بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و فکری عصر خویش است.

یکی از پایه‌های ایران‌شناسی ادبی، نسخه‌شناسی و تصحیح انتقادی متون است. بسیاری از آثار کلاسیک فارسی در قالب نسخه‌های خطی متعدد و گاه متفاوت به دست ما رسیده‌اند. کار پژوهشگر در این حوزه شامل: شناسایی نسخه‌های معتبر، مقابله متون، تحلیل اختلاف قرائت‌ها و بازسازی متنی نزدیک به اصل است. از سوی دیگر، پیشرفت فناوری دیجیتال و ایجاد آرشیوهای آنلاین نسخه‌های خطی، امکان دسترسی گسترده‌تر به منابع را فراهم کرده است و زمینه همکاری‌های بین‌المللی را تقویت نموده است. اما پژوهشگران جدید در باب ایران‌شناسی تاریخی و ادبی می‌کوشند روایت‌های رسمی تاریخ را نقد کنند و خوانش‌های تازه‌ای از متون کلاسیک ارائه دهند. با این همه امروزه پژوهش در ایران‌شناسی تاریخی و ادبی با چالش‌هایی روبه‌روست، از جمله محدودیت دسترسی به برخی اسناد تاریخی، مشکلات حفاظت از نسخه‌های خطی، و کمبود بودجه پژوهشی در برخی مراکز. با این حال، گسترش همکاری‌های علمی و دیجیتال‌سازی منابع می‌تواند بسیاری از این موانع را کاهش دهد. در واقع آینده این حوزه در گرو تقویت رویکردهای میان‌رشته‌ای، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تعامل سازنده میان پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی خواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد، ما در نشریه ایران‌شناسی تاریخی و ادبی برآنیم که ایران‌شناسی تاریخی و ادبی نه تنها به بازشناسی گذشته ایران کمک می‌کند، بلکه در فهم هویت فرهنگی معاصر نیز نقشی بنیادین دارد. منابع گسترده تاریخی و ادبی این سرزمین درهم‌تنیده‌اند و مطالعه آن‌ها تصویری ژرف از تداوم فرهنگی این سرزمین ارائه می‌دهد.

دکتر محمود جعفری دهقی

استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران
و رییس انجمن ایران‌شناسی